

حجاب و مراحل تشریح آن در قرآن

رقیه صادقی نیری*

استادیار علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت معلم، آذربایجان
(تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۱۲/۰۷، تاریخ تصویب: ۱۳۸۹/۰۲/۲۵)

چکیده

کندوکاو در آیات حجاب، به صورت یکجا و هم‌سو، نشان خواهد داد که حکم حجاب یکباره اعلام نشده است، بلکه کم‌کم و با گذشت زمان و آماده‌شدن زمینه بر قلب مبارک پیامبر اکرم (ص) نازل شده و این موجب تأثیر سریع این حکم و ماندگاری آن شده است. این مسئله که زمان و شرایط در پویایی فقه اسلام تأثیر بسزایی ایفا کرده و برخی از احکام، گاه در گذر زمان دستخوش تغییرات و تحولاتی گردیده است، می‌تواند به صورت کاربردی در عصر ما هم مفید و کارگشا باشد. تشریح حکم حجاب نیاز به بیان فلسفه و ضرورت آن دارد و شرایط موجود در جامعه برای ایجاد امنیت بانوان می‌تواند محدوده حجاب را تغییر دهد.

کلیدواژه‌ها: حجاب، عفاف، شرایط تاریخی، سبب نزول، فلسفه احکام.

مقدمه

قرآن کتاب الهی و مجموعه‌ای از حقایق و حیان‌ی است که در قالب‌های زبانی بلیغ و بی‌مانند برای هدایت انسان نازل شده است.

قرآن کتابی است واقع‌نگر که با توجه به واقعیت‌های زمان و زندگی انسان و شرایط محیط، آهنگ بر کشیدن انسان به مقصد اعلی و مقصود والا را داشته و دارد. در روزگاری که انسان‌ها دارای آداب، رفتار، فرهنگ و ویژگی‌های معیشتی خاص بودند، مجموعه مقررات و قوانینی که قرآن عرضه می‌کرد و حقایق و آموزه‌هایی که می‌گسترده، آهنگی دیگرگون داشت. این حقایق نازل شده بود تا در جامعه طرحی نو افکند و ذهن و زندگی انسان را دیرگرسان کند. دین واقع‌نگری که از یک سو در اندیشه تصحیح صفحه زندگی انسان است و از سوی دیگر آیینی است همه‌سونگر و فراگیر، از این روی نمی‌توانست برآنچه در جامعه می‌گذشت، چشم ببوشد. آنچه قرآن عرضه کرده است، پهنه گسترده عقاید، معارف، اخلاق، احکام، تاریخ و معیشت را فراگرفته و ضمن آنکه فطری است، بر بنیاد فطرت نیز نهاده شده است.

اسلام معتقد است که نه تنها اصل اعتقاد به خدا، بلکه معارف دینی نیز که مجموعه‌ای است از هست‌ها و نیست‌ها، باید‌ها و نباید‌ها، فطری انسان‌هاست و برای اینکه ثابت کند دین اسلام برخلاف فطرت نیست، بلکه پاسخ مثبت به ندای فطرت است؛ فرمود:

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا (روم: ۳۰).

پس روی خود را با گرایش تمام به حق، به سوی این دین کن، با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است.

دعوت به دین الهی به منزله ترغیب توجه به فطرت است و رویکرد به فطرت و نگرانی از آن همان رویکرد به اسلام و نگهداری از آن است. لذا برای حراست از سرمایه فطری و نجات از بیگانه‌پرستی این پیام را فراز آورد که: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ» (مائده: ۱۰۵) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خودتان بپردازید. مواظب جان‌هایتان باشید، ببینید جانتان چه می‌خواهد، از خویشتن حراست کنید و آن را رها نکنید (قمی مشهدی، ۱۳۶۶: ج ۴، ۲۵۰).

از سوی دیگر آموزه‌های هیچ دین و مذهبی چون اسلام تمام ابعاد زندگی انسان را فرا نگرفته است، اسلام تنها به یک سلسله عبادات و اذکار و اوراد و یک رشته اندرزهای اخلاقی بسنده نکرده است. همان‌گونه که روابط بندگان را با خدا بیان کرده، خطوط اصلی روابط انسان‌ها و حقوق و وظایف افراد نسبت به یکدیگر را نیز در اشکال گوناگون تبیین کرده است.

بنابراین قرآن کتابی است زمان‌شمول و جهان‌شمول و مجموعه‌ای همگام با زمان و تحول‌ها و از خاتمیت دین اسلام همین است که با توجه به نیازهای زندگی انسان تنظیم شده است. این اصل مهم در تشریح وجوب حکم حجاب به خوبی خود را می‌نمایاند.

کندوکاو در آیات حجاب، آن هم یکجا و همه‌سویگرانه، برای اهل نظر و فقه‌پژوهان می‌تواند ره‌گشا و پر فایده باشد و آنان را در دستیابی به زوایای گوناگون این گزاره مهم اجتماعی رهنمون شود.

در کنار هم و به ترتیب نزول آوردن آیات و دقت و درنگ روی آن‌ها، نشان خواهد داد که حکم حجاب یکباره اعلام نشده، بلکه کم‌کم و با گذشت زمان و آماده‌شدن زمینه، بر قلب مبارک پیامبر اکرم (ص) نازل شده است که این مطلب موجب تأثیر فزون‌تر این حکم و ماندگاری آن شده است. اینکه زمان و مکان در فقه پویای اسلام نقش بسزایی ایفا کرده و برخی از احکام (البته با حفظ حد و جوب) در گذر زمان دچار تغییر و تحولاتی شده، می‌تواند به صورت کاربردی در عصر حاضر مفید و مؤثر باشد که در نتیجه‌گیری بحث بدان خواهیم پرداخت.

در کنار هم قراردادن آیات *قرآن* در زمینه حجاب، ما را به این نتیجه رهنمون می‌سازد که اولاً تشریح حجاب پس از آماده‌سازی مقدماتی و توجیه فلسفه آن بوده است و ثانیاً حکم حجاب در جوامع مختلف، با حفظ حد واجب، می‌تواند متفاوت باشد.

در این مقال به زمان نزول آیات، اسباب نزول و پیامدهای نزول آن‌ها می‌پردازیم. تعمق بر روی این مطالب می‌تواند راهکارهایی را جهت تقویت حجاب و عفاف ارائه دهد.

تاریخ نزول آیات حجاب

ابتدا ذکر این نکته لازم است که تا پیش از سال پنجم هجری، حجاب بر زنان مسلمان واجب نشده بود. آنان با همان لباس معمول و مرسوم آن زمان در جامعه حاضر می‌شدند، با مردان سخن می‌گفتند و حتی با آنان سر یک سفره می‌نشستند و از یک ظرف غذا می‌خوردند.

از مطالعه اشعاری که از روزگار جاهلیت به جا مانده است به خوبی معلوم می‌شود که در آن عصر، زن از آزادی نصیب داشته و برخی کارهای مهم به مشورت او انجام می‌گرفته و بلکه در بسیاری از کارهای مرد مشارکت داشته است و به‌طور کلی مناسبات اجتماعی مرد با همسر خود بهتر از آن بوده که ما تصور می‌کنیم (حسن، ۱۳۷۶: ج ۱، ۳۵).

آنچه موجب شد نزول حکم حجاب تا این زمان به تأخیر بیفتد، این بود که از یک سوی با توجه به پوشش نسبی زنان عرب تا سال پنجم هجری نیاز کمتری به این امر احساس می‌شد و از سوی دیگر باید جریانات و حوادثی اتفاق می‌افتاد تا بانوان، خود به حجابی برتر احساس نیاز کنند. در این زمینه در کتاب *تاریخ سیاسی آمده است*:

زنان عرب حجاب داشتند، زن عرب با وجود انتشار عیاشی و لهو، سادگی بدوی و آزادی را که از خصائص صحرا است با هم داشت، از این‌رو پدران به دختران خود افتخار می‌کردند و در موقع انتخاب کنیه مرد را به دختر یا زن یا خواهرش نسبت می‌دادند و می‌گفتند: ابولیلی، ابوثبیته و امثال آن؛ زنان عرب با مردان روبه‌رو می‌شدند و با آن‌ها گفت‌وگو می‌کردند و احیاناً پیشوای سپاه می‌شدند.

لباس زنان عرب عبارت از یک شلوار گشاد بود و پیراهنی که نزدیک گردن آن چاک داشت و به علاوه یک روپوش تنگ و کوتاه که معمولاً به هنگام سرما می پوشیدند، زن عرب وقتی از خانه بیرون می رفت لباس دیگر می پوشید که تن او را مستور می کرد و لباسش را از خاک و گل حفظ می کرد.

سرخود را نیز با دستمالی می بست و آن را بالای پیشانی گره می زد. در روزگار جاهلیت زنان پیراهنی می پوشیدند که تا سینه آن چاک داشت (همان: ۴۹۵-۴۹۶).

اما این پوشش، مناسب نبوده است (علی، ۱۹۷۰: ج ۴، ۶۱۷) و شایسته بوده که حجابی برتر از آن داشته باشد.

شرایط تاریخی سال پنجم هجری

بر خلاف تصور عده‌ای که گمان می کنند سال پنجم هجری برای پیامبر، دوره شک و تردید و شکست‌های نظامی و در نتیجه تضعیف اخلاقیات ساکنان مدینه شده بود (مرنیسی، ۱۳۸۰: ۱۶۰)؛ منابع و متون تاریخی بر آن دلالت دارد که در سال پنجم هجری، پیروزی مسلمین بر قریش - که همراه با احزاب دیگری از بنی کنانه و اهل تهامه و غطفان و پیروان آنها بودند و تعدادشان به ده هزار نفر می رسید (طوسی، بی تا: ۵۳۲؛ قمی، ۱۴۰۴: ج ۲، ۱۷۹) - و نیز محاصره بنی قریظه و شکست آنها اتفاق افتاد (قمی، ۱۴۰۴: ج ۲، ۱۹۱-۱۹۲؛ شیخ مفید، ۱۴۱۳: ج ۱، ۱۱۱) و در نتیجه اسلام به وضعیتی از تثبیت تبدیل شده بود که تا حدود زیادی زمینه برای ایراد و اشکال غیر مسلمین از بین رفته بود. لذا در این سال لازم بود که برخی احکام مهم اسلام بیان شود. به عنوان مثال در این سال ازدواج پیامبر با زینب بنت جحش، همسر مطلقه زید بن حارثه (پسرخوانده پیامبر) صورت می گیرد. این ازدواج به یکی از رسوم جاهلی به نام «تبنی» (پسرخواندگی) که در آن زمان در میان اکثر جوامع معمول بود خط بطلان کشید؛ رسمی که در آن فرزند خوانده را همچون فرزند نسبی، خویشاوند شمرده و آثار مختلف خویشاوندی را بر آن مترتب می ساختند: میان فرزند خوانده و کسی که او را به فرزندی می پذیرفت، توارث برقرار می شد و سایر احکام و حقوق خویشاوندی دیگر هم اجرا می شد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۶، ۲۷۵).

پیامبر اکرم (ص) قبل از بعثت و پیامبری پسرخوانده‌ای به نام زید داشت که او را زید بن محمد می خواندند، دین اسلام و تعالیم درخشان اسلامی - که همواره ناظر به واقعیات و حقایق است - سنت فرزندخواندگی را لغو و ابطال کرد و مقرر شد تمامی فرزندخوانده‌های موجود در زمان تشریح این احکام، به نام پدر و مادرهای واقعی خود خوانده شوند نه به نام پدرخوانده یا مادر خوانده (ترمانینی، ۱۴۰۹: ۱۹۸).

در این زمینه خداوند در آیات قرآنی می‌فرماید:

وَمَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ ذَلِكُمْ قَوْلُكُمْ بِأَفْوَاهِكُمْ وَاللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ وَهُوَ يَهْدِي السَّبِيلَ ادْعُوهُمْ لِأَبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ فَإِنْ لَمْ تَعْلَمُوا آبَاءَهُمْ فَاِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَ مَوَالِيكُمْ (احزاب: ۴-۵)

پسرخواندگانتان را پسران (واقعی) شما قرار نداده است، این گفتار شما به زبان شماست (ولی) خدا حقیقت را می‌گوید و او (ست که) به راه راست هدایت می‌کند. آنان را به (نام) پدرانشان بخوانید، که این نزد خدا عادلانه‌تر است و اگر پدرانشان را نمی‌شناسید پس برادران دینی و موالی شمایند.

آنگاه جهت نسخ واقعی این رسم جاهلی، خداوند به پیامبرش فرمود که با زینب همسر مطلقه زید بن حارثه ازدواج کند و با این کار تحریم ازدواج با همسر پسرخوانده نیز فسخ شد (طوسی، بی‌تا: ج ۸، ۳۴۴-۳۴۵).

هدف از گزارش این مطلب در این جایگاه این است که اگر اسلام در قرن پنجم هجری در وضعیت بحرانی و متزلزل به سر می‌برد به حتم قرآن واقع‌نگر، بیان این‌گونه مسائل را که احياناً موجباتی برای بهانه‌تراشی افراد ایجاد می‌کرد، به فرصت و جایگاه دیگری واگذار می‌کرد؛ لکن به نظر می‌رسد که سال پنجم هجری فرصت و زمینه مناسبی برای طرح مطالب مهم اسلامی بوده است.

حال با بیان مقدمات مذکور به مراحل نزول آیات حجاب، سبب نزول و پیامدهای نزول آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. مرحله نخست، حجاب اختصاصی همسران پیامبر (ص):

گفتمیم که تا پیش از سال پنجم هجری بر زنان مسلمان واجب نشده بود که حجاب داشته باشند؛ در سال پنجم هجری ابتدا در سوره احزاب این مطلب تشریح شد. سوره احزاب به ترتیب مصحف، سی و دومین و به ترتیب نزول نودمین سوره قرآن است (خرمشاهی، ۱۳۸۱: ج ۲، ۱۲۴۸).

به اتفاق دانشمندان علوم قرآن، سوره احزاب چهارمین یا پنجمین سوره‌ای است که در مدینه بر پیامبر اکرم (ص) نازل شد (سیوطی، ۱۴۱۱: ج ۱، ۴۱ و ۴۳).

ابتدا حکم حجاب در آیه زیر به صورت حکم اختصاصی بر همسران پیامبر (ص) نازل شد: وَ إِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ (احزاب: ۵۳)؛ چون از زنان (پیامبر) چیزی خواستید از پشت پرده از آنان بخواهید؛ این برای دل‌های شما و دل‌های آنان پاکیزه‌تر است.

سبب نزول آیه را از قول ابوالفوح رازی - که دیدگاه‌های مختلف را ذکر کرده است - نقل می‌کنیم:

در سبب نزول آیه اختلاف کرده‌اند، انس بن مالک گفت: سبب آن بود که رسول (ص) زنی کرده بود، (مقصود ازدواج پیامبر با زینب است) برفت و نزدیک آن زن رفت و ساعتی مقام کرده چون از آنجا بیرون آمد جماعتی آهنگ آن وجود داشتند به دیدار رسول، رسول را از آن کراهت آمد که ایشان بی‌وقت به حجره رسول آمدند، خدای تعالی آیت حجاب بفرستاد. بعضی دیگر گفتند: عمر یک دو بار گفت: یا رسول الله اگر بفرمودیت تا زنان تو محجب شدندی بهتر بودی، آیت حجاب فرود آمد. بعضی دگر گفتند: سبب آن بود که روزی جماعتی به حجره عایشه پیش رسول خدا (ص) حاضر بودند و او بفرمود تا طعامی پیش آورند در میانه عایشه می‌آمد و می‌شد و طعام می‌آورد، چیزی به کسی می‌داد و دست آن مرد بر دست او آمده رسول خدا را خوش نیامد، خدای تعالی آیت حجاب فرستاد (رازی، ۱۳۹۸: ج ۱۶، ۱۴).

در بقیه کتب تفسیری نیز سبب نزولی مشابه، برای آیه ذکر شده است:

مجاهد از عایشه روایت کرد که او گفت: من با پیامبر (ص) مشغول خوردن «عیس» بودیم که عمر بر ما گذشت. سپس پیامبر (ص) او را طلبید و مشغول خوردن شد ناگاه انگشتش به انگشت من خورد و پیامبر فرمود: چه کردی؟ پس آیه حجاب نازل شد (طبرسی، ۱۴۰۶: ج ۲۰، ۱۶۴).

انعکاس این دستور

از قرائنی که در کتب تفسیری آمده است، به نظر می‌رسد که همسران پیامبر (ص) بلافاصله بر این دستور مهم گردن نهادند و به راحتی آن را پذیرفتند:

پس از نزول این آیه اصحاب در خانه پیامبر (ص) توقف نمی‌کردند و آن حضرت هفت روز در منزل نزد زینب بنت جحش ماندند و شب هفتم به خانه ام‌سلمه تشریف بردند. چون صبح شد علی (ع) در خانه آمد و آهسته در زد، پیغمبر (ص) دانست که امیرالمؤمنین پشت در است، ولی ام‌سلمه کوبنده در را تشخیص نداد و در باز کردن در خانه تعلل کرد، پیامبر (ص) به ام‌سلمه فرمود: در را باز کن. ام‌سلمه عرض کرد: در این آیه که نازل شده خداوند می‌فرماید: «وَ إِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَلِّتُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ»، چه لزومی دارد که من در را باز کنم؟ اجازه فرمایید منظور کسی را که در می‌زند سؤال کنم و به عرض برسائیم. پیامبر اکرم (ص) متغیر شد و فرمود: اطاعت امر رسول خدا اطاعت فرمان خداست. کسی که پشت در خانه است، دوست خدا و رسول خدا است و هرگز بدون اجازه وارد نمی‌شود و پس از باز کردن در داخل نمی‌شود. ام‌سلمه به طرف در رفت و نمی‌دانست که پشت در چه کسی است، جز اینکه نعت و

مدح رسول را شنید و خود نیز می‌گفت: مرحبا مرحبا به کسی که خدا و رسول خدا او را دوست دارند و او نیز خدا و رسول او را دوست دارد.

علی (ع) داخل شد ام‌سلمه نیز پوشش به سر کرد و وارد شد. رسول خدا (ص) به ام‌سلمه فرمود: ای ام‌سلمه بدان و آگاه باش گوشت این علی گوشت من و خون او خون من است. او نسبت به من به منزلهٔ هارون است نسبت به موسی جز این که پس از من پیامبری نیست، ام‌سلمه بشنو و آگاه باش که این علی ابن ابی‌طالب، امیرالمؤمنین و سیدالمؤمنین و ... است (بحرانی، ۱۴۱۵: ج ۲، ۴۸۳). تأخیر ام‌سلمه در گشودن در نشانگر تسلیم او به حکم موجود در آیه می‌باشد.

ثابت البنانی گفته است که انس مالک گفت: من در پیش رسول رفتی بی‌دستوری، چون آیت حجاب آمد، و من ندانستم، خواستم تا روم. رسول آواز پای من شناخت گفت: همانجا باش که آیتی آمد که تو را در اینجا نشاید آمدن مگر به دستوری (رازی، ۱۳۹۸: ج ۱۶: ۱۴).
و در تفسیر کشف‌الاسرار است که: بعد از آیت حجاب، هیچ‌کس را روا نبود در زنی از زنان رسول نگرستند اگر در نقاب بودی یا بی‌نقاب (میبدی، ۱۳۶۳: ج ۸، ۸۳).
روایت زیر پایبندی همسران پیامبر (ص) را به حجاب کاملاً مشخص می‌کند:

عن ام‌سلمه - رضی الله عنها - قالت: كنت عند النبي (ص) و عنده ميمونه، فأقبل ابن‌ام‌مکتوم، و ذلك بعد أن أمرنا بالحجاب، فقلنا: يا رسول الله، أليس أعمى لا يبصرنا؟ قال: افعميا و إن أنتما؟ ألستما تبصرانه؟
از ام‌سلمه نقل شده که گفت: من نزد پیامبر (ص) بودم و میمونه نزد او بود، ابن‌ام‌مکتوم آمد و آن پس از دستور حجاب بود، فرمود: حجاب برگیرید، گفتیم یا رسول الله آیا او کور نیست؟ او که ما را نمی‌بیند، فرمود: شما دو نفر که کور نیستید و او را می‌بینید (عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ج ۴، ۲۹۷؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۶: ج ۱، ۱۴۲۴).

ناگفته پیداست که همسران پیامبر (ص) داشتن حجاب را در مقابل مردان دیگر پذیرفته بودند که در اینجا این سؤال را در مورد مرد نابینا مطرح می‌کنند.

قرآن در تشریح حکم حجاب، فلسفهٔ آن را چنین بیان می‌کند: «ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَ قُلُوبِهِنَّ»؛ این عمل به پاکی قلب شما و آنان نزدیک‌تر است. این قاعده و علت عمومیت دارد و بر زنان پیامبر نیست. آیا می‌توان گفت خداوند طهارت و پاکی را برای زنان پیامبر خواسته است و از دیگران دریغ می‌کند؟ آیا می‌توان گفت طهارت و پاکی روان برای مردان و زنان آن دوره مطلوب بوده اما امروز مطلوب نیست؟ از این‌رو، این دستور عمومیت دارد (قرطبی، ۱۹۶۵: ج ۱۴، ۲۲۷) هرچند این طهارت و پاکی برای زنان پیامبر به لحاظ موقعیت اجتماعی آنان شدیدتر است. البته باید توجه داشت که سخن گفتن از ورای حجاب به‌معنای حبس زنان در

خانه نیست و همچنین به پوشش به معنای نوع لباس، هم مربوط نیست، بلکه یک سنت خانوادگی را بیان می‌دارد که مردان وارد جایگاه زنان نشوند و اگر خواسته‌ای از آنان داشتند از پشت دیوار تقاضا کنند (مطهری، ۱۳۷۴: ۱۷۱). به تعبیر دیگر، به مکانی که زنان زندگی می‌کنند و به‌طور طبیعی پوشش رسمی بر تن ندارند، نباید سرزده وارد شد، بلکه باید از پشت در یا دیوار با آنان ارتباط برقرار کرد. بلی اگر لباس و پوشش رسمی به‌تن کنند و از آن مکان بیرون آیند، دیگر این منع نیست، لذا صحابه پیامبر از زنان وی مسئله می‌پرسیدند و پیامبر زانش را در جنگ‌ها همراه خویش می‌برد ... این‌ها همه شاهد است که مقصود از «پرسش از ورای حجاب» چیست.

تعلیل پاک‌ی قلب‌های شما و ایشان، گرچه با حکم استحبابی منافات ندارد، ولی ظهور امر را (در جمله «فاسئلوهن») در وجوب مترنزل نمی‌سازد، چراکه این نوع تعلیل در احکام واجب دیگر نیز احیاناً آمده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۱۷، ۴۰۱-۴۰۲). این امر (بیان فلسفه حجاب) دلالت بر آن نمی‌کند که حجاب یک امر شخصی و فردی است، بلکه بیانگر این مطلب است که باید متولیان امر برای بیان فلسفه حجاب در جوامع گام بردارند، چنان‌که روش قرآنی چنین است؛ قرآن برای تشریح این حکم، ابتدا مقدماتی را بیان کرده است، به این صورت که در همین سوره شریفه، آیات دیگری نازل شده است که در آن‌ها شأن همسران پیامبر (ص) در صورت رعایت تقوای الهی، از شأن زنان دیگر برتر دانسته شده و به آن‌ها دستور داده شده که از حجره‌ها مگر برای کاری ضروری خارج نشده و با مردان با ناز و کرشمه سخن نگویند و به‌سان دوران جاهلیت نخستین خود را نیاریند:

يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ
الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ
الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى ... (احزاب: ۳۲-۳۳)

ای همسران پیامبر شما مانند هیچ‌یک از زنان (دیگر) نیستید، اگر سر پروا دارید پس به ناز سخن مگویید تا آنکه در دلش بیماری است طمع ورزد و گفتاری شایسته گویند و در خانه‌هایتان قرار گیرید و مانند روزگار جاهلیت قدیم زینت‌های خود را آشکار مکنید.

سپس فلسفه آن را بیان کرده که این مطلب به سود شما و مردان شماسست و آنگاه در آیه ۵۶ سؤال مقدری را که ممکن بود از جانب برخی از افراد مطرح شود که: حکم پدران و برادران و پسران و زنان دیگر در این باره چیست؟ پاسخ می‌دهد که:

لَا جُنَاحَ عَلَيْنَ فِي آبَائِهِنَّ وَلَا أَبْنَائِهِنَّ وَلَا إِخْوَانِهِنَّ وَلَا أَبْنَاءَ إِخْوَانِهِنَّ وَلَا
أَبْنَاءَ أَخَوَاتِهِنَّ وَلَا نِسَائِهِنَّ وَلَا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ وَ اتَّقِينَ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ
عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا (احزاب: ۵۶)

بر زنان در مورد پدران و برادران و پسران و پسران برادران و پسران خواهران و زنان
(همکیش) و بردگانشان گناهی نیست (که دیده شوند) و باید از خدا پروا بدارید که
خدا همواره بر هر چیزی گواه است.

۲. مرحله دوم حجاب:

پس از بیان حکم حجاب برای همسران پیامبر و زمینه‌سازی‌های لازم، و پس از آنکه بانوان
دیگر در دل آرزو می‌کردند که ای کاش آن‌ها نیز ارزش و مقام همسران پیامبر را داشتند؛
خداوند به دنبال سبب نزول دیگری، حکمی دیگر را برای حجاب بیان می‌کند:

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَ بَنَاتِكَ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ
جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا (احزاب:
۵۹)

ای پیامبر به زنان و دختران و به زنان مؤمنان بگو، پوشش‌های خود را بر خود
فروتر گیرند، این برای آنکه شناخته شوند و مورد آزار و اذیت قرار نگیرند (به
احتیاط) نزدیک‌تر است، و خدا آمرزندهٔ مهربان است.

در سبب نزول آیه آمده است:

«کان نساء النبی (ص) یخرجن باللیل لحاجتهن و کان ناس من المنافقین
یتعرضون لهن فیؤذین، فشکوا ذلك فقیل للمنافقین، فقالوا: انا نفعله
بالاماء، فنزلت هذه الآية». (سیوطی: ۱۴۱۱ ج ۵، ۲۲۱؛ طبری، ۱۴۱۲ ج ۲۲،
۳۳)

زنان پیامبر شبانه برای رفع حاجات خود از خانه بیرون می‌رفتند و جماعتی از
منافقان متعرض آنان می‌شدند، و آنان را اذیت می‌کردند، از این مطلب گله کرده و
وقتی به منافقان گفتند، آنها گفتند: ما این کار را با کنیزان انجام می‌دهیم، آنگاه
این آیه نازل شد.

زنان برای مسجد خارج شده و پشت سر رسول خدا (ص) نماز می‌خواندند. شب‌ها، که برای خواندن نماز مغرب و عشاء خارج می‌شدند، جوانان در راه آن‌ها می‌نشستند و آن‌ها را اذیت می‌کردند و به آن‌ها متعرض می‌شدند؛ لذا خداوند این آیه را نازل کرد (همان).

در این مرحله نیز قرآن با توجه به ضرورت ایجاد امنیت توسط زنان که به نفع خود آن‌هاست به آن‌ها دستور می‌دهد که در امر پوشش مراقبت بیشتری نمایند.

هرچند برخی از تفاسیر از این آیه استنباط کرده‌اند که حکم حجاب نسبت به زنان آزاده قبل از این نازل شده بود، اما تساهل برخی از زنان نسبت به آن موجب نزول آیه مذکور شد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۱۳، ۳۴۹)؛ اما به نظر می‌رسد که اولاً آیه به پوششی نسبی که قبلاً موجود بوده اشاره کرده است و ثانیاً زنان دیگر از محتوای آیه قبل که حکم حجاب همسران پیامبر (ص) را مطرح ساخته است، داشتن پوشش مختصری را بر خود لازم دیدند.

در این مرحله نیز چون مرحله قبلی، پس از نزول آیه، حکم وجوب ستر از جانب پیامبر (ص) بیان شده و براساس مدارک و شواهد زنان خود را ملزم و پایبند بدان دانستند چنانکه از آملسمه نقل شده است که:

لما نزلت هذه الآية «يَذْتِينَ عَلَيَّهِنَّ مِنْ جَلَابِيْبِهِنَّ» خرج نساء الانصار كان على رؤوسهن الثياب من السكينة و عليهن اَكْسِيَه سود يليسنها (سيوطي، ۱۴۱۱: ج ۵، ۲۳۱).

وقتی این آیه نازل شد: «يَذْتِينَ عَلَيَّهِنَّ مِنْ جَلَابِيْبِهِنَّ» زنان انصار طوری از خانه بیرون می‌شدند که گویی کلاغ سیاه بر سرشان نشسته است و لباس‌هایی چون چادرهای سیاه بر خود پوشانده بودند که سرپایشان را فرا گرفته بود.

۳. مرحله سوم، حجاب برتر:

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا يَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولَى الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (نور: ۳۱-۳۰)

به مردان با ایمان بگو: دیده فرو نهند و پاکدامنی ورزند که این برای آنان پاکیزه‌تر است زیرا خدا به آنچه می‌کنند آگاه است. و به زنان با ایمان بگو: دیدگان خود را از (از هر نامحرمی) فرو بندند و پاکدامنی ورزند و زیورهای خود را آشکار نگردانند

مگر آنچه که (طبعاً) از آن پیداست. و باید روسری خود را بر گردن خویش (فرو) اندازند، و زیورهایشان را جز برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پدران شوهرانشان یا پسرانشان با پسران شوهرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان یا پسران خواهرانشان یا زنان (همکیش) خود یا کنیزانشان یا خدمتکاران مرد که (از زن) بی‌نیازند یا کودکانی که بر عورت‌های زنان وقوف حاصل نکرده‌اند، آشکار نکنند و پاهای خود را (به گونه‌ای به زمین) نکوبند تا آنچه از زینتشان نهفته می‌دارند معلوم گردد. ای مومنان، همگی (از مرد و زن) به درگاه خدا توبه کنید، امید که رستگار شوید.

سوره نور به‌طور تقریبی در سال هشتم هجری نازل شده است، زیرا این سوره بعد از سوره نصر - که در سال هشتم هجری نازل شده - نازل شد و به ترتیب نزول صد و دومین سوره قرآن است (خرمشاهی، ۱۳۸۱: ج ۲، ۱۲۴۳).

از برخی سبب نزول‌ها نیز می‌توان به این نتیجه رسید که نور پس از احزاب نازل شده است: در جریان قضیه افک (تهمت زنا به عایشه) عایشه نقل می‌کند که رسول خدا(ص) قرعه کشید و قرعه به نام من در آمد و مرا به دنبال خود برد و این رخداد پس از نزول آیه حجاب بود (واحدی نیشابوری، ۱۴۲۰: ۳۱۸-۳۱۹). ماجرای افک در آیات سوره نور آمده است. در سبب نزول آیه ۳۰ آمده است:

استقبل شاب من الانصار إمراة بالمدينة و كان النساء يتقنعن خلف آذانهن فنظر اليها و هي مقبله فلما جازت نظر اليها و دخل في زقاق قد سماه بنی فلان و جعل ينظر خلفها و اعترض وجهه عظم في الحائط او زجاجه، فشق وجهه فلما مضت المرأة فإذا الدماء تسيل على صدره و ثوبه فقال: و الله لآتین رسول الله و لأخبرنه، فأتاه. فلما رآه رسول الله(ص) قال له: ما هذا؟ فأخبره فهبط جبرئیل (ع) بهذه الآیه: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَنْصَابِهِمْ...» (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۵، ۵۲۱؛ بحرانی، ۱۴۱۵: ج ۴، ۵۸)

در مدینه جوانی از انصار با زنی روبه‌رو شد. زنان در آن زمان مقنعه‌ها را پشت گوش‌ها می‌انداختند، جوان نگاه به آن زن دوخت و او همچنان به راه خود ادامه می‌داد. هنگامی که زن از برابر وی رد شد، باز به آن زن نگاه می‌کرد و او راه خود را ادامه می‌داد تا داخل کوچه‌ای شد - که حضرت نام کوچه را ذکر کرد - و همچنان که به پشت‌سر نگاه می‌کرد، استخوان یا شیشه‌ای که در دیوار بود، صورت وی را درید. هنگامی که زن از جلو چشمش ناپدید شد، به خود آمد و دید که خون بر لباس و سینه‌اش جریان دارد. پیش خود گفت: به خدا سوگند، نزد رسول

خدا (ص) می‌روم و او را از واقعه آگاه می‌کنم. هنگامی که نزد پیامبر (ص) آمد و حضرت او را به آن حال دید، فرمود: این چه حالتی است؟ جوان داستان را برای حضرت باز گفت و آن‌گاه جبرئیل بر پیامبر نازل شد با این آیه: ای رسول ما به مؤمنان بگو: چشم‌های خود را فرو نهند و ...

از این شأن نزول می‌توان استنباط کرد که اولین آیاتی که در تشریح کامل حجاب و بیان محدوده نظر نازل شده آیات سوره نور است.

عن عائشه زوج النبی (ص)، أنها قالت: یرحم الله المهاجرات الأولى بما أنزل الله: **وَلِيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ** ... شققن اکتف مرو طهن فاختمن» (طبرسی، ۱۴۱۲: ج ۱۸، ۹۵).

رحمت خدا بر زنان مهاجر پیشگام باد هنگامی که خداوند فرمان حجاب را نازل کرد، ضخیم‌ترین پوشش‌های پشمین خود را برش داده و با آن سر و گردن خود را پوشاندند.

و نیز از سیوطی نقل شده که نزد عایشه از برتری زنان قریش سخن به میان آمد، او گفت: زنان قریش صاحب فضیلت‌اند اما به خدا قسم من در پایبندی به کتاب خدا و ایمان به قرآن کسی را برتر از زنان انصار ندیدم. وقتی آیه **«وَلِيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلٰی جُيُوبِهِنَّ»** (نور: ۳۱) نازل شد و مردان این آیه را در خانه‌ها بر زنان خود خواندند، بعد از آن هر یک از زنان با لباس خود، سر و کناره‌های صورت خود را می‌پوشاندند، آنان وقتی صبح پشت سر رسول خدا به نماز ایستادند سر و گردن خود را پوشانده بودند، به گونه‌ای که خیال می‌کردی بر سر آنان کلاغ نشسته است (سیوطی، ۱۴۰۴: ج ۵، ۴۲).

پس باز هم بلافاصله پس از نزول آیات، حکم حجاب در زمان خود پیامبر (ص) و توسط خود او تشریح شد که زنان چنان واکنشی را از خود نشان دادند.

فقها و مفسران مفاد آیات را بر وجوب پوشش خاص برای زنان در برابر مردان نامحرم دانسته‌اند (حسینی جرجانی، ۱۴۰۴: ج ۲، ۳۶۰).

و نیز روایت‌های موجود این مطلب را تأیید می‌کند:

در روایتی از رسول خدا (ص) آمده است: نمایان‌ساختن تمام بدن برای زوج رواست و سر و گردن را می‌توان در برابر پسر و برادر آشکار کرد، اما در برابر نامحرم باید از چهار پوشش استفاده کرد: درع (پیراهن)، خمار (روسری)، جلباب (پوششی وسیع‌تر از روسری که بر روی سینه می‌افتد)، ازار (چادر) (طبرسی، ۱۴۰۶: ج ۵، ۵۲۰).

روا نیست زنی که به دوران عادت ماهانه رسیده است موی جلوی سر و گیسوان خود را آشکار کند. در روایت دیگری آمده است که پیامبر (ص) با جابر بن عبدالله انصاری به خانه

فاطمه (س) رفتند. پیامبر (ص) اجازه ورود خواست و فرمود: من و کسی که همراه من است وارد شویم؟ فاطمه (س) فرمود: روسری بر سر ندارم، پیامبر فرمود: قسمت اضافه روپوش را بر سر خود ببنداز و بعد پیامبر و جابر بر حضرت زهرا (س) وارد شدند (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۵، ۵۲۸).

از محتوای برخی روایات چنین برمی آید که زنانی که خود را با وضعیت جدید تطبیق نداده بودند مورد ایراد و اعتراض افراد قرار گرفتند.

عایشه می گوید: دختر عبدالله بن طفیل که برادر مادری من بود در حالی که آرایش کرده بود به خانه ام آمد، در همان هنگام پیامبر (ص) وارد شد و هنگامی که او را دید از او روی برگرداند. من گفتم: یا رسول الله این دختر برادرزاده من و خردسال است، سپس پیامبر (ص) فرمود: هنگامی که زن به دوران عادت ماهانه رسید بر او جایز نیست که جز روی خود جایگاه دیگری را نمایان کند (طبرسی، ۱۴۱۲: ج ۱۸، ۱۰۰).

در روایت دیگری عایشه می گوید که اسماء دختر ابی بکر در حالی که پوششی نازک بر تن داشت بر پیامبر وارد شد. پیامبر از او روی برگرداند و به وی فرمود: ای اسماء وقتی زن به سنی رسید که عادت ماهانه برای او اتفاق می افتد جایز نیست که جز صورت و دست وی تا قدری بالای مچ در معرض دید دیگران قرار گیرد (سیوطی، ۱۴۰۴: ج ۵، ۴۲).

پایبندی بانوان از یکسو و روایت های موجود از یک سو می نمایند که حکم حجاب در زمان پیامبر (ص) تشریح شده و بعدها نیز فقها از این حکم پیامبر (ص) تبعیت کردند.

نتیجه

- با تتبع در آیات مربوط به حجاب می توان به این نتایج رسید:
۱. حکم حجاب در سال های اولیه بعثت پیامبر (ص) تشریح نشده بود.
 ۲. تشریح حکم حجاب نیازمند بروز فرصت های مناسب و زمینه سازی های لازم بوده است.
 ۳. تشریح حکم حجاب یکی دیگر از نوآوری های احکام اسلامی را نمودار می سازد.
 ۴. حکم حجاب، شخصی نیست و حکمی اجتماعی است.
 ۵. همیشه در جوامع، جهت تبیین ضرورت و فلسفه حجاب، تدابیر لازم باید صورت بگیرد. تدابیری چون جلسات مداوم بحث، سخن رانی، پرسش و پاسخ درباره حجاب و برطرف ساختن شبهات پیرامون آن.
 ۶. برطبق ضرورت ها و زمینه های موجود، محدوده حجاب می تواند در جوامع، مختلف باشد (البته با حفظ حد واجب).

منابع و مأخذ

قرآن مجید. ترجمه محمد مهدی فولادوند.

- بحرانی، سیدهاشم. (۱۴۱۵ ق). *البرهان فی تفسیر القرآن*. تهران: مؤسسه البعثة.
- ترمانینی، عبدالسلام. (۱۴۰۹). *الزواج عند العرب فی الجاهلیه و الإسلام*. دمشق: طلاس.
- حسن، حسن ابراهیم. (۱۳۷۶)، *تاریخ سیاسی اسلام*. ترجمه ابوالقاسم پاینده. [ابی جا]. انتشارات پاینده. چاپ نهم.
- حسینی جرجانی، سیدامیر ابوالفتح. (۱۴۰۴ ق). *آیات الاحکام*. تهران: منشورات نوید. چاپ اول.
- خرمشاهی، بهاءالدین. (۱۳۸۱). *دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی*. [ابی جا]. انتشارات دوستان. چاپ دوم.
- رازی، ابوالفتوح. (۱۳۹۸ ق). *روض الجنان و روح الجنان*. تصحیح میرزا ابوالحسن شعرانی. [ابی جا]. کتابفروشی اسلامیة.
- زحیلی، وهبه بن مصطفی. (۱۴۱۸ ق). *تفسیر المنیر*. بیروت: دارالفکر المعاصر. چاپ اول.
- سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن. (۱۴۱۱ ق). *الاتقان فی علوم القرآن*. تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم. [ابی جا]. انتشارات زاهدی. چاپ دوم.
- سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن. (۱۴۰۴ ق). *تفسیر الدر المنثور*. قم: مکتبه آیة الله المرعشی النجفی.
- صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی. (۱۴۱۴ ق). *من لایحضره الفقیه*. قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۴۱۷ ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه. چاپ پنجم.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر. (۱۴۱۲ ق). *جامع البیان*. بیروت: دارالمعرفه. چاپ اول.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۰۶ ق). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دارالمعرفه. چاپ اول.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن. (بی تا). *التبیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- عروسی حویزی، عبدعلی بن الجمعه. (۱۴۱۵ ق). *نور الثقلین (تفسیر)*. قم: مؤسسه اسماعیلیان. چاپ چهارم.
- علی، جواد. (۱۹۷۰ م). *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*. بیروت: دار العلم للملایین. چاپ ششم.

- فضل الله، سيد محمد حسين. (۱۴۱۹ ق). *من وحى القرآن*. [بى جا]. دارالملاک للطباعه و النشر. چاپ دوم.
- قرطبي، ابو عبدالله محمد بن احمد. (۱۹۶۵ م). *جامع الاحكام*. بيروت: دار احياء التراث العربى.
- قمى مشهدى، محمد بن محمد رضا. (۱۳۶۶). *کنز الدقائق و بحر الغرائب*. تهران: مؤسسه الطبع و النشر و زرات ارشاد. چاپ اول.
- قمى، على بن ابراهيم بن هاشم. (۱۴۰۴ ق). *تفسير قمى*. قم: دار الكتاب.
- کلىنى، ابو جعفر محمد بن يعقوب. (۱۳۶۵). *الكافى*. تهران: دار الكتب الاسلاميه.
- مطهرى، مرتضى. (۱۳۷۴). *مسئله حجاب*. تهران: انتشارات صدرا.
- مكارم شيرازى، ناصر. (۱۳۷۴). *تفسير نمونه*. تهران: دارالکتب الإسلاميه. چاپ اول.
- _____ (۱۴۲۱ ق). *الأمثل فى تفسير كتاب الله المنزل*. [بى جا]. مؤسسه الامام على بن ابى طالب.
- مرنىسى، فاطمه. (۱۳۸۰). *زنان پرده‌نشين و نخبگان جوشن پوش*. ترجمه مليحه مغاره‌اى. تهران: نشر نى.
- مفيد، محمد بن نعمان. (۱۴۱۳ ق). *الارشاد*. قم: کنگره شيخ مفيد. چاپ اول.
- ميبدي، ابو الفضل. (۱۴۲۰ ق). *كشف الاسرار و عدة الابرار*. تهران: انتشارات اميرکبير.
- واحدى نيشابورى، ابو الحسن على بن احمد. (۱۴۲۰ ق). *اسباب النزول*. بيروت: مؤسسه الريان.